

گفت‌وگوی آدینه این هفته با امیررضا مافی، نویسنده و استاد دانشگاه

کتابخانه ملی آرامش بخش ترین جای شهر است

شیمای آشتیانی

امیررضا مافی در آخر اسفند یکی از سال‌های دهه ۶۰ به دنیا آمد. او که دانش‌آموخته دکتری فلسفه غرب و مدرس دانشگاه است، علاقه خود به نوشتن را از دوران کودکی مهم‌ترین فعالیتش می‌داند و با همکاری در نشریات «کیهان بچه‌ها» و «بچه‌ها گل‌آقا» راه نوشتن را پی گرفته است. ۱۲ رمان منتشر شده دارد که نیمی از آنها به ادبیات جنگ مربوط است.

نیمی دیگر نیز رگه‌های فلسفی دارد. مخاطب آثار او با چالش‌های عمیق فلسفی مواجه خواهد شد و فرم متفاوت داستان‌هایش، خواننده را درگیر می‌کند. کتاب «وضعیت بنفش» او در نخستین جایزه داستان ایرانی، توسط نویسندگان و منتقدان ادبیات، مورد تقدیر قرار گرفت و از طرف جایزه «واو» به عنوان یکی از رمان‌های متفاوت سال ۹۴ معرفی شد. «گیلاس‌های زرد» آخرین اثر منتشر شده از اوست که به فراواقعیت متورم در یک بستر داستانی می‌پردازد.

کتابی که مافی معتقد است از ادبیات تهی شده و یک روایت تودرتوی پست‌مدرن دارد. سه‌گانه وضعیت، یعنی کتاب‌های وضعیت مجهول، وضعیت تهی پیش از وضعیت بنفش منتشر شده که در اولی دغدغه‌های اگزیستانسیالیستی دارد و دومی مربوط به دوگانه حقیقت و واقعیت است که در تکتک مایخولیایی واقعیت معنای جدیدی می‌یابد. او همچنین بیش از یکصد نمایش رادیویی و صحنه دارد. به‌طور کلی فلسفه، ادبیات و سینما مشغولیت‌های او هستند. مافی

این روزها به عنوان مدیر متن و محتوای مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری مشغول است و هفته‌ای دو روز در دانشگاه درس مربوط به فلسفه را تدریس می‌کند. گرایش پژوهشی او، فلسفه‌های پست‌مدرن است. او چند ماهی است که به عنوان منتقد ثابت، در برنامه نقد سینما حضور دارد و سینما را از دریچه علوم انسانی، خصوصاً فلسفه بررسی می‌کند و رمان سیاه و جستارهای «مراققت و مفارقت» را در دست چاپ دارد.



کتاب

«هوش شر یا معاهده شفافیت» اثر ژان بودریار فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی را می‌خوانم. آخرین اثری است که از او به فارسی منتشر شده است. بودریار در این کتاب به سراغ تشریح وضع فراواقعیت در عصر فضای مجازی پرداخته است. مسأله امروز ما در جهان این است که آیا به واقعیت دسترسی داریم یا نه. بودریار معتقد است که فضای مجازی، هم‌ارز جهان واقعی پدید آمده و واقعیت را از بین برده است. تحلیل وضعیت شناخت و معرفت، همچنین ظهور وجود در عصر شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و فضای مجازی بسیار اهمیت دارد و از این جهت این کتاب را پیشنهاد می‌کنم.



توضیحات تکمیلی

«هوش شر یا معاهده ی شفافیت» کتابی است فلسفی با موضوع خبر و شر. این کتاب را ژان بودریار نوشته و ترجمه آن را حسین محمدی برعهده داشته‌است. این کتاب سال ۹۷ توسط انتشارات مانیا به چاپ رسیده‌است.

فیلم

اخیرا مستند در جستجوی فریده که به عنوان نماینده ایران در اسکار معرفی شده را دیدم و جستجوی هویت یک زنی که به لحاظ ژنتیک ایرانی بوده و از نوزادی با یک خانواده هلندی به آن کشور رفته، سپس در ۴۰ سالگی برای یافتن خانواده ایرانی خود به وطن بازگشته، برایم جالب بود. این جستجوی هویت ما را برای جستجوی خویشتن و تاریخ و تبارمان تلنگر می‌زند. ما باید به تبارمان خیلی توجه کنیم و آن را بکاویم. اگر چنین اتفاقی بیفتد ما هویت و ماهیت خود را درمی‌یابیم.

توضیحات تکمیلی

در جستجوی فریده، یک فیلم مستند به کارگردانی و تهیه‌کنندگی آزاده موسوی و کوروش عطایی، تهیه‌شده در سال ۱۳۹۷ است. این فیلم که در سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش درآمد، به عنوان نماینده سینمای ایران به اسکار ۲۰۲۰ معرفی شد.



سفر

در مسیر جاده هزار، چند کیلومتری آمل، یک مسیر فرعی است که ما را به روستای سنگچال می‌رساند و بعد از آن به فیلبند. جای بکر و زیبایی است و مناظر کم‌نظیری دارد. من برای یافتن آرامش، آنجا را دوست دارم، خصوصاً وقتی ابرها در دره گیر می‌افتند و زیر پای آدم دریایی از ابرها تشکیل می‌شود. واقعا دیدنی است و روح را صیقل می‌دهد.



توضیحات تکمیلی

سنگچال قبلاً بخشی از بابل بود. اما الان دیگر چند سال است به دهستان چالو شهر آمل تعلق دارد. این روستای بیلاقی در دامنه کوه قرار گرفته و پر است از درختان تنومند و سرسبز. چندتا چشمه هم دارد که آب آشامیدنی مردم از همان‌ها تامین می‌شود. اینجا یکی از بلندترین بیلاقی‌های مازندران است که منظره‌های تماشایی دارد. از جنگل و کوه تا چرای دام و تک‌درخت‌های قشنگ. خلاصه که از هوای پاک، آرامش و جای سرسبز و باصفا تا میزبان خونگرم همه چیز مهیاست. اگر دوست دارید جاهای تاریخی را ببینید، باز هم در این روستا بی‌نصیب نمی‌مانید. در جنوب روستا یک دژ باستانی هست که اسمش اسپه خانه یعنی سفیدخانه است.

پاتوق

پاتوق من جاهای زیادی است. کتابخانه ملی اما آرامش‌بخش‌ترین نقطه این شهر برای من است. خصوصاً در شیفت شب که آرامش فراوانی آنجا حاکم است. شاید برای عده کمی این طور باشد. صدای فواره‌های همیشه روشن میان راهروهایش، در تجسم سکوت، آجرهای زردش، سقف



بلندش، سبزی‌های فرهیخته‌اش، ستون‌های سیمانی رفیعش، معماری بی‌نظیرش و سکوتش و سکوتش و سکوتش... فراغت از هیاهو و شلوغی شهر و تاب خوردن در جایی که همه کتاب‌های این سامان، به فاصله چند دقیقه کنار دست توست. درک کتابخانه برای بعضی‌ها مترادف درس خواندن است؛ برای من اما فقط آرامش است، آرامش و وسعت یافتن. در این شهر این روزها هیچ جا به اندازه این ساختمان مرا ماوا نیست. کتاب‌ها و کتابخانه‌ها را بیشتر از درس و درس خواندن‌ها باید جدی گرفت. کتابخانه‌ها را باید زیست و آنها را با تمام وجود صفا داد.

دوستان چمدانی!

● از آنجا که نظرات شما برای پربارتر کردن مطالب چمدان برای ما با اهمیت است، قصد داریم با استفاده از پیشنهادها و موضوعاتی بپردازیم که بیشتر مورد علاقه شماست.

● از شما می‌خواهیم پیام‌ها و پیشنهادهای خود را به نشانی: تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجدالغدیر، روزنامه جام‌جم یا پست الکترونیکی chamedan@jamejamonline.ir ارسال کنید.

شماره پیامک ۳۰۰۰۱۱۲۲۳ نیز راه ارتباطی دیگر ما با شماست.

